

# بررسی مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و اصطلاحات وابسته به آن

دکتر امیر مؤمنی هزاوه\*

## چکیده

تحقیق در جنبه‌های مختلف تأثیر قرآن بر ادب فارسی از مباحثی است که در نقد ادبی از آن با عنوان پژوهش در منابع الهام آثار ادبی یاد می‌کنند. اصطلاحاتی که در این قبیل تحقیقات برای شرح و توصیف اقسام اثرپذیری از قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارت است از: اقتباس، عقد و تلمیح که در دانش بدیع ذکر و تعریف شده‌اند. در مقاله حاضر سعی شده است مفهوم تأثیر که در عنوان تحقیقات مذکور به کار رفته است، مورد بررسی قرار گیرد و سپس تعریف اصطلاحات یاد شده مرور و بازنگری شود و در پایان تقسیمی جامع و مانع از اقسام تأثیر قرآن بر شعر فارسی، ارایه گردد.

## واژه‌های کلیدی

تأثیر، قرآن، شعر فارسی، اقتباس، تلمیح، درج، نقد ادبی، نقد منبع، نقد نفوذ

---

\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

## مقدمه

در پژوهش‌هایی که با موضوع تأثیر قرآن بر ادب فارسی انجام می‌شود، پیوندهای لفظی و معنوی قرآن با متون فارسی مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد. این قبیل پژوهش‌ها را که در نقد ادبی، تحقیق در منابع الهام آثار ادبی می‌نامند، از منابع مهم شناخت ادب فارسی می‌توان محسوب کرد؛ زیرا بدون در نظر داشتن قرآن به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع الهام ادب فارسی، فهم کامل متون ادبی ممکن نیست.

اصطلاحاتی که در تحقیقات مذکور برای توصیف اقسام مختلف تأثیر قرآن به کار می‌رود، عمدتاً عبارت است از: اقتباس، عقد و تلمیح. این اصطلاحات که از صناعات بدیعی به حساب می‌آید و در کتب بدیع به گونه‌های مختلف تعریف شده است، بیان‌کننده و دربردارنده همه اشکال و اقسام تأثیر قرآن نیست.

علاوه بر این که کلمه تأثیر نیز که در عنوان این مباحث به کار رفته است، خود به طور مستقل در منابع مربوط مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. بر همین اساس در مقاله حاضر کوشش شده است ابتدا درباره تأثیر و سپس تعریف اصطلاحات یاد شده و ابهامات آن بحث و بررسی شود و در انجام، تعریف‌هایی اصلاح شده و تقسیمی جامع و مانع از وجوه مختلف تأثیر قرآن بر شعر فارسی ارائه شود.

## تأثیر<sup>۱</sup>

تأثیر در لغت به معنی اثر و نشان گذاشتن در چیزی است.<sup>۲</sup> برخی محققان معاصر این کلمه را در زمره مصطلحات ادبی ذکر کرده‌اند و آن را دربردارنده دو معنا دانسته‌اند؛ نخست تأثیر ذهنی و روحی که نویسندگان می‌کوشند در ذهن و قلب خوانندگان به وجود آورند و دیگر اثرپذیری نویسنده‌ای از نویسنده دیگر.<sup>۳</sup> محققان اروپایی نیز این کلمه را به عنوان اصطلاحی ادبی

1- Affect

2- علی‌اکبر دهخدا. لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ذیل واژه تأثیر.

3- جمال میرصادقی و میمنت میرصادقی. واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی. تهران: کتاب مهناز، ۱۳۷۷، زیر تأثیر.

در ترکیب Affective fallacy به کار برده‌اند. این ترکیب که در زبان فارسی به دام تأثیر، دام احساس و مغلطه تأثیر ترجمه شده است،<sup>۱</sup> به معنای تأثیر محتوای کلام بر خواننده است.<sup>۲</sup> در نقد ادبی دو اصطلاح نقد نفوذ و نقد منبع دربردارنده مفهوم تأثیر است. در نقد نفوذ منتقد بیشتر به این نکته توجه دارد که یک اثر ادبی تا چه اندازه به وسیله آثاری که پس از آن پدید آمده است، مورد اخذ، تقلید و اقتباس واقع شده است.<sup>۳</sup> براساس نقد منبع نیز منتقد می‌کوشد شباهت بین آثار ادبی را دریابد و با در نظر گرفتن آن به بررسی متون پردازد.<sup>۴</sup> این روش در تاریخ ادبیات جهان سابقه‌ای ممتد دارد چنان که در یونان و روم شارحان کتب مواردی را که در بین آثار شاعران مشترک و مشابه بوده است، خاطر نشان می‌کرده‌اند.<sup>۵</sup> علاوه بر آن اصطلاح روابط بینامتنی<sup>۶</sup> نیز که نخستین بار به وسیله منتقدی روسی به نام ویکتور شکلوفسکی<sup>۷</sup> در مباحث مربوط به فرمالیسم مطرح شد، ناظر به مفهوم تأثیر است. براساس این روش خوانندگان متون با توجه به متون دیگر صورت می‌گیرد بدین معنا که چون متون گذشته با متون امروزی و متون امروزی با متونی که در آینده نوشته می‌شود، مرتبط و به هم پیوسته است، نمی‌توان آنها را بدون یکدیگر در نظر گرفت و خواند.<sup>۸</sup>

در آثار پیشینیان ما، تأثیر به عنوان واژه‌ای ادبی مذکور نیست اما مباحثی که با عنوان سرقات ادبی در کتب ایشان مطرح است، بعضاً دربردارنده مفهوم تأثیر است. در کتب قدما سرقات ادبی به چهار قسم اصلی تقسیم شده است: انتحال، سلخ، المام و نقل.<sup>۹</sup> واعظی کاشفی<sup>۱</sup> صاحب کتاب

۱- سیروس شمیسا. نقد ادبی. تهران: فردوس، ۱۳۷۸، ص ۳۳۸.

2 - M .H Abrams., (1977) , A Glossary of literary terms , USA , olt, Reinhart and Winston, Affective fallacy. And , J.A Cuddon, (1993) , A Dictionary of literary terms , England , Blackwell Reference, Affective fallacy.

3- عبدالحسین زرین‌کوب. نقد ادبی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۲۶.

4- همان، ص ۹۷.

5- همان، ص ۹۷.

6 - Intertextuality relationships

7 - Victor Shklovsky

8- M .H Abrams., (1977) , A Glossary of literary terms , USA , olt, Reinhart and Winston

9- شمس‌الدین محمدبن قیس رازی. المعجم فی معاییر الاشعار العجم. تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: زوار، ۱۳۶۰، صص ۴۷۶ - ۴۶۴

بدایع الافکار فی صنایع الأشعار بحث سرقات را با عنوان بیان عیوب نظم، در معایی که پیوند خاصی با جزیی از اجزای شعر ندارد، گنجانده است و ضمن آن که المام و نقل را یکی دانسته، سلخ را نیز به اقسام مذکور افزوده است و از انتحال به نام مصالته، سلخ و سرقه نیز یاد کرده است.<sup>۲</sup> شمس‌العلمای گرکانی<sup>۳</sup> در کتاب ابداع‌البدائع بر اقسام مذکور اغاره را با سه قسم مذموم، ممدوح و به غایت مذموم افزوده و المام و سلخ را یکی دانسته و از نقل ذکر کرده است.<sup>۴</sup> و بالاخره جلال‌الدین همایی در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی مجموع اقسام سرقات را یازده قسم بدین ترتیب دانسته است: ۱- نسخ یا انتحال ۲- مسخ یا اغاره ۳- سلخ یا المام ۴- نقل ۵- شیادی و دغل‌کاری یا دزدی بی برگه و بی نام و نشان ۶- حل ۷- عقد ۸- ترجمه ۹- اقتباس ۱۰- توارد ۱۱- تتبع و تقلید.<sup>۵</sup> ورود در شرح و توضیح هر یک از اقسام سرقات در محدوده مقاله حاضر نمی‌گنجد و مقصود از ذکر اجمالی سرقات بیان این نکته است که در پاره‌ای از تعاریف و شواهد مذکور در بحث سرقات، می‌توان مسأله سرقت را منتفی و شباهت موجود بین شواهد از باب تأثیر و تأثر دانست. به عنوان نمونه شمس قیس در تعریف المام می‌گوید: «اما المام [در لغت به معنی] قصد کردن و نزدیک شدن است به چیزی و در سرقات آن است که [شاعر] معنی‌ای را فراگیرد و به عبارتی دیگر و وجهی دیگر به کار آرد چنان‌که ازرقی گفته است:

صدف ز بیم یلان در شود به کام نهنگ ز خون به رنگ یواقیت رنگ کرده لآل  
و انوری از او برده است و نیکوتر از او گفته است:

- 1- برای شرح آثار و احوال او بنگرید: ذبیح‌الله صفا. تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس، ۱۳۷۲، صص ۱۲۱/۴ و ۵۲۶-۵۲۳.
- 2- میرزا حسین واعظی کاشفی سبزواری. بدایع‌الافکار فی صنایع‌الاشعار. ویراسته میرجلال‌الدین کزازی. تهران: مرکز، ۱۳۶۹، صص ۱۶۶-۱۶۷.
- 3- برای شرح آثار و احوال او بنگرید: محمد حسن آقا بزرگ طهرانی. الذریعه إلى تصانیف الشیعه. بیروت: دارالأضواء، ۱۹۸۳، صص ۳۵۴ و ۸۸۱. و نیز سید محمدباقر برقعی. سخنوران نامی معاصر. تهران: امیرکبیر، ۱۳۲۹، صص ۱۲۸/۲.
- 4- حاج محمد حسین شمس‌العلمای گرکانی. ابداع‌البدائع. به اهتمام حسین جعفری. تبریز: احرار، ۱۳۷۷، صص ۳۷۷-۳۵۵.
- 5- جلال‌الدین همایی. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: هما، ۱۳۷۴، ص ۳۵۷.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال اول از دوره جدید ❖ شماره ۱

## بررسی مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و اصطلاحات وابسته به آن

قهر تو گر طلایه به دریا کشد شود در در صمیم حلق صدف دانه انار<sup>۱</sup>  
یا در تعریف نقل می‌گوید: «اما نقل آن است که شاعر معنی شاعری دیگر بگیرد و از بابی  
به بابی دیگر برد و در آن پرده بیرون آرد چنان که مختاری گفته است:

کجا شد آن ز قبای دریده دوخته چتر کون ببايد چترش دريد و دوخت قبا  
رضی‌الدین نیشابوری به باب مدح برده است و گفته:

به عزم خدمت درگاه تو به هر طرفی بسا ملوک که از تاج می‌نهند کمر<sup>۲</sup>  
با دقت در نمونه‌های یاد شده می‌توان گفت انوری از ازرقی یا رضی‌الدین نیشابوری از  
مختاری در سرودن ابیات مذکور اثر پذیرفته است نه آن که دزدی کرده است.

در انواع سرقات ادبی اخذ و تقلید از قرآن کریم سرقت ادبی محسوب نشده است و برخی  
محققان بدین نکته تصریح کرده‌اند.<sup>۳</sup> بلکه درباره اخذ از قرآن اصطلاحاتی خاص مورد استفاده  
قرار گرفته است که دربرگیرنده همه شواهد و مواردی که از قرآن تأثیر پذیرفته‌اند، نیست. این  
اصطلاحات که در مباحث علم بدیع از آنها یاد شده است، عبارت است از: اقتباس، عقد و  
تلمیح.<sup>۴</sup> برخی محققان اشاره، تضمین و حل یا تحلیل را نیز افزوده‌اند.<sup>۵</sup>

1- شمس‌الدین محمدبن قیس رازی. پیشین، ص ۴۷۱.

2- همان، ص ۴۷۳.

3- جلال‌الدین همایی. پیشین، ص ۳۹۰.

4- ر.ک. تقی‌الدین الازراری. خزانه‌الادب. بیروت: دارالهلال و مکتبه‌الهلال، ۱۹۸۷م، ص ۴۵۵/۲. جلال‌الدین  
عبدالرحمن السیوطی. الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا، ۱۴۷/۱. میرزاحسین واعظی کاشفی سبزواری.  
پیشین، ۱۴۷ و ۱۴۸. محمدهادی‌بن‌محمدصالح مازندرانی. انوارالبلاغه. به کوشش محمدعلی غلامی‌نژاد. تهران:  
میراث مکتوب و قبله، ۱۳۷۶، ۳۸۴ و ۳۸۷ و ۳۸۸. حاج‌محمدحسین شمس‌العلمای گرکانی. پیشین، ۷۵ و ۱۶۷ و  
۲۶۹. سیدنصرالله تقوی. هنجارگفتار. اصفهان: فرهنگسرای اصفهان، ۱۳۶۳، ص ۲۵ و ۳۲۴. جلال‌الدین همایی. پیشین،  
ص ۳۲۸ و ۲۸۳. سیروس شمیسا. پیشین، ۹۰ و ۹۴. تقی وحیدیان‌کامیار. بدیع از منظر زیبایی‌شناسی. تهران: دوستان،  
۱۳۷۹، ۷۶.

5- علی‌اصغر حلبی. تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۶۹، ص ۴۶ و ۶۵. سید محمد  
راستگو. تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت، ۱۳۷۶، ص ۳۳ - ۳۰.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال اول از دوره جدید ❖ شماره ۱

## اقتباس

اقتباس در لغت به معنای آتش گرفتن<sup>۱</sup>، پرتو نور و فروغ گرفتن<sup>۲</sup> و فراگرفتن آتش<sup>۳</sup> است و در اصطلاح بنا بر تعریف سیوطی در اتقان، تضمین بخشی از قرآن در نظم یا نثر است بدون گفتن قال الله تعالی و امثال آن<sup>۴</sup>. صاحب خزانه الادب به تضمین کلامی از آیه‌ای از آیات قرآن تصریح کرده و آن را نظر اجماع دانسته است.<sup>۵</sup> همایی گفته است اقتباس در اصطلاح اهل ادب آن است که حدیثی یا آیتی از کلام الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال، در غیر این صورت محل تهمت سرقت است.<sup>۶</sup> سید نصرالله تقوی در هنجار گفتار گفته است آیه‌ای از قرآن یا فقره‌ای از حدیث یا مسأله‌ای از مسایل فقهی در نظم و نثر درج شود بدون اشعار بر اینکه در قرآن یا حدیث یا در علوم است.<sup>۷</sup> صاحب بدایع الافکار تصریح کرده است که شاعر در ترکیب کلام و ترتیب سخن آیتی از آیات قرآن یا حدیثی از احادیث نبوی یا مسأله‌ای از مسایل فقهی را بر سهیل تیمن و تبرک ایراد کند.<sup>۸</sup> صاحب انوارالبلاغه نیز اقتباس را تضمین کلامی از قرآن مجید یا از حدیث دانسته است بر وجهی که مشعر بر آن نباشد که از قرآن مجید یا از حدیث است.<sup>۹</sup> و بالاخره

۱- غیاث‌الدین محمد بن جلال‌الدین بن شرف رامپوری. غیاث اللغات. به کوشش منصور ثروت. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳، زیر اقتباس.

۲- جلال‌الدین همایی. پیشین، ص ۳۹۰.

۳- میرزا حسین واعظی کاشفی. پیشین، ص ۱۴۷-۱۴۸.

۴- جلال‌الدین عبدالرحمن السیوطی. پیشین، ۱/۱۴۷.

۵- تقی‌الدین الازراری. پیشین، ۲/۴۵۵.

۶- جلال‌الدین همایی. پیشین، ص ۳۸۳؛ ایشان احادیث مأثور، آیات قرآنی، اشعار معروف و آثار مشهور را از حکم سرقت استثناء کرده‌اند؛ چرا که به عقیده ایشان شهرت و معروفیت آنها قرینه‌ای برای نفی انتحال و سرقت است؛ همان، ص ۳۹۰.

۷- سید نصرالله تقوی. پیشین، ص ۳۴۲.

۸- میرزا حسین واعظی کاشفی. پیشین، ص ۱۴۷.

۹- محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی. پیشین، ص ۳۸۴.

### ۳۱ بررسی مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و اصطلاحات وابسته به آن

شمس‌العلمای گرکانی صاحب ابداع‌البدائع می‌نویسد: اقتباس آن است که متکلم در نثر یا نظم چیزی از قرآن یا حدیث درج نماید نه به طور نقل و روایت<sup>۱</sup>. چنان که ملاحظه می‌شود، در اکثر تعاریف مذکور حدود اقتباس به طور دقیق مشخص نشده است، یعنی معلوم نشده است گوینده براساس اقتباس تا چه حد جایز است از قرآن اخذ کند؛ در حد لفظ یا معنی و در صورت لفظ در حد کلمه یا کلام. تعابیر بخشی از قرآن، آیتی از کلام‌الله مجید و چیزی از قرآن که در اکثر تعاریف آمده است، جامع و مانع نیست. در مثال‌هایی نیز که ذیل تعاریف مذکور آمده است، این عدم وضوح مشهود است. البته در اکثر نمونه‌ها موارد اخذ شده در حد کلام است.<sup>۲</sup> اما نمونه‌هایی نیز به چشم می‌خورد که کلمه یا جمله‌ای از قرآن گرفته شده است چنانکه مثلاً در ابداع‌البدائع این بیت از سلمان ساوجی مثال آورده شده است:

صورت اقبال تو را بر جبین انا فتحنا لک فتحاً قریب  
(همان، ۷۷)

در بیت بالا آیه اول سوره فتح که کلام است، اقتباس شده است. سپس این بیت نیز از مسعود سعد سلمان ذکر شده است:

حصنی که به صد تیغ کس آن را نگرفت کلک تو کند عالیها سافلها  
(همان)

که در آن دو کلمه از کلام فلما جاء امرنا جعلنا عالیها سافلها<sup>۳</sup> اقتباس شده است. نمونه

دیگر مثال‌هایی است که در خزانه‌الادب آمده است:

أوحى إلى عِشاقِهِ طَرْفُهُ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ  
وَ رَدْفُهُ يَنْطِقُ مِنْ خَلْفِهِ لِمَثَلِ ذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ<sup>۴</sup>

۱- حاج محمد حسین شمس‌العلمای گرکانی. پیشین، ص ۷۵.

۲- مقصود از کلام جمله کامل است؛ آنکه نحویان در تعریفش گفته‌اند: لفظ مفیدی است که سکوت بر آن جایز است: بهاء‌الدین عبدالله ابن‌عقیل. شرح ابن‌عقیل. به کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۴، ۱/۱۴.

۳- سوره هود، آیه ۲۸

۴- تقی‌الدین الازراری. پیشین، ۴/۵۵۵. چشمان او عاشقانش را به اشاره گفت: دور است، دور است آنچه به شما وعده می‌دهند و ندیمش از پی‌اش می‌گوید: کوشندگان باید برای چنین چیزی بکوشند؛ ابیات از جمال‌الدین محمد بن حمیرالهمدانی شاعر قرن هفتم هجری است.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال اول از دوره جدید ❖ شماره ۱

## ۳۲ □ بررسی مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و اصطلاحات وابسته به آن

مصراع دوم بیت اول آیه ۳۶ سوره مؤمنون و مصراع دوم بیت دوم با اندکی تغییر (ذا به جای هذا) بخشی از آیه ۶۱ سوره صافات است. مثال دیگری که در همین کتاب آمده است، دو بیت زیر است:

قُمْتُ لَيْلَ الصُّدُودِ إِلَّا قَلِيلاً ثُمَّ رَتَلْتُ ذِكْرَكُمْ تَرْتِيلاً  
وَ وَصَلْتُ السُّهَادَ أَفْتَحَ وَصَلٍ وَ هَجَرْتُ الرَّفَادَ هَجْراً جَمِيلاً<sup>۱</sup>

در بیت اول کلمات قلیلاً و ترتیلاً به ترتیب برگرفته از آیات ۲ و ۴ سوره مزمل است و قُمْتُ و رَتَلْتُ شکل‌های تغییر یافته از کلمه قُم و رَتَل است که در همان آیات آمده است<sup>۲</sup> و در مصراع دوم بیت نیز هجراً جمیلاً ترکیبی است مقتبس از آیه ۱۰ سوره مزمل.<sup>۳</sup> چنان که ملاحظه می‌شود در دو بیت نخست دو جمله کامل و در دو بیت بعد چند کلمه از قرآن اخذ و به عنوان شاهد مثال برای اقتباس ذکر شده است.

### عقد

عقد در لغت به معنی گره بستن است،<sup>۴</sup> کاشفی در تعریف آن گفته است: در اصطلاح آن است که چیزی از قرآن یا حدیث ایراد کند نه بر طریق اقتباس بلکه الفاظ آن را تغییر دهد تا بر وزن راست آید اما مضمون همان باشد؛ مانند:

به ورع کوش زان که شاه زمین گفته است الورع ملاک‌الدین<sup>۵</sup>

- ۱- همان: شب جدایی جز اندکی به پای بودم سپس به یاد شما زمزمه می‌کردم و با بی‌خوابی به ناخوشایندترین صورت پیوستم و از خواب به نیکویی دوری گزیدم؛ ابیات از کمال‌الدین بن نبیه شاعر قرن هفتم هجری است.
- ۲- یا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلاً نَصْفَهُ أَوْ انْقِصْ مِنْهُ قَلِيلاً أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً (سوره مزمل، آیات ۱-۴)؛ ای جامه به خویشتن فروبیچیده؛ به پای خیز شب را مگر اندکی؛ نیمی از شب را یا اندکی از آن را بکاه؛ یا بر آن بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان.
- ۳- وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِيلاً (سوره مزمل، آیه ۱۰)؛ بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و از آنان با دوری گزیدنی نیکو فاصله بگیر.
- ۴- علی‌اکبر دهخدا. پیشین، زیر عقد.
- ۵- میرزا حسین واعظی کاشفی. پیشین، ص ۱۴۸. مصراع دوم ناظر بر این حدیث از پیامبر است: ملاک‌الدین الورع؛ ملاک دینداری پارسایی است.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال اول از دوره جدید ❖ شماره ۱



### بررسی مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و اصطلاحات وابسته به آن ۳۳

صاحب انوارالبلاغه عقد را تضمین کلام نثری در شعر دانسته است خواه آن نثر از قرآن مجید بوده یا از حدیث یا از امثال یا غیر آنها<sup>۱</sup>، سپس تصریح کرده است که اگر کلامی از قرآن و حدیث تضمین شود باید تغییر بسیار یابد یا اشاره به آن شود که از قرآن و حدیث است تا از تعریف اقتباس خارج شود.<sup>۲</sup> شمس‌العلمای گرکانی نیز تعریفی مشابه با تعاریف مذکور ارائه نموده و رعایت دو شرط را لازم دانسته است: مطابقت لفظ و معنی و ذکر تمام یا اکثر الفاظ اصل. در نتیجه مثلاً این بیت سعدی را از صنعت درج ندانسته است:

سرا شکیب نمی‌باشد ای مسلمانان ز روی خوب لکم دینکم و لی دینی<sup>۳</sup>

زیرا در آن از لفظ معنایی دیگر اراده شده است و نیز این بیت حافظ را:

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند<sup>۴</sup>

به دلیل اینکه تمام یا اکثر الفاظ اصل در آن به نظم در نیامده است<sup>۵</sup> و بیت زیر را از

ظهیرالدین فاریابی برای عقد مثال آورده است:

سپیده‌دم که شدم محرم سرای سرور شنیدم آیه توبوا إلى الله از لب حور<sup>۶</sup>

سرانجام شمیسا در تعریف عقد گفته است: به مناسبت کلام آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیث

در کلام ذکر گردد و به این بیت از فرصت شیرازی استشهاد کرده است:

ای به رخت زلف مسلسل شده ازلفت الجنة للمتقین<sup>۷</sup>

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در تعاریف مذکور ملاک تفاوت اقتباس و عقد تغییر در کلام

۱- محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی. پیشین، ص ۳۸۷.

۲- همان، ص ۳۸۸.

۳- برگرفته از: لکم دینکم ولی دین (سوره کافرون، آیه ۶): شما را دینتان و مرا دینم.

۴- برگرفته از: إنا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها وحملها الإنسان إنه كان ظلوماً جهولاً (سوره احزاب، آیه ۷۲)؛ ما امانت [الهی و بارتکلیف] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند. اما انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود.

۵- حاج محمد حسین شمس‌العلمای گرکانی. پیشین، ص ۷۵.

۶- برگرفته از: یا ایها الذین آمنوا توبوا إلى الله توباً نصحاً (سوره تحریم، آیه ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به درگاه خداوند توبه‌ای راستین کنید.

۷- برگرفته از: و أزلقت الجنة للمتقین (سوره شعراء، آیه ۹۰ و سوره ق، آیه ۳۱)؛ و [آن روز] بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می‌گردد. سیروس شمیسا. پیشین، ۹۴.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال اول از دوره جدید ❖ شماره ۱

اصل است که در اقتباس جایز ولی در عقد لازم است. اما محققان در اقتباس نیز تغییر را جایز دانسته‌اند چنان که صاحب خزانه‌الادب تغییر لفظ اقتباس شده را به شکل افزودن، کاستن، تقدیم، تأخیر و آوردن اسم ظاهر به جای ضمیر جایز می‌داند.<sup>۱</sup> و همایی برای تصحیح وزن آن را جایز شمرده است.<sup>۲</sup> تقوی نیز تصریح کرده است که تغییر اندک منافی با اقتباس نیست.<sup>۳</sup> و مازندرانی گفته است در کلام مقتبس گاه اندک تغییری واقع می‌شود جهت ضرورت رعایت شعری.<sup>۴</sup> به علاوه برخی از تعریف‌های ارایه شده - مانند تعریف شمیسا - نیز با تعریف اقتباس تفاوتی ندارد. بر همین اساس مصادیق اقتباس و عقد در پاره‌ای موارد یکسان می‌شود و از یکدیگر قابل تمایز و تشخیص نیست چنان که بیت:

به ورع کوش زآنکه شاه زمین گفته است الورع ملاک‌الدین  
که در ابداع‌البدائع به عنوان مثال برای عقد ذکر شده است، می‌تواند مثال برای اقتباس نیز باشد.

### تلمیح

تلمیح در لغت به معنی نگاه سبک کردن به سوی چیزی،<sup>۵</sup> درخشیدن<sup>۶</sup> و به گوشه چشم اشاره کردن است<sup>۷</sup> و تعریف آن در تمام کتب بدیعی متضمن یک وجه مشترک یعنی اشاره داشتن به قصه‌ای یا داستانی است.<sup>۸</sup> علاوه بر آن برخی ادبا در تعریف تلمیح وجوه دیگری نیز

- 1- تقی‌الدین الازراری. پیشین، ص ۴۵۶.
- 2- جلال‌الدین همایی. پیشین، ص ۳۹۱.
- 3- سید نصرالله تقوی. پیشین، ص ۳۴۲.
- 4- محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی. پیشین، ص ۳۸۵.
- 5- غیاث‌الدین محمد بن جلال‌الدین بن شرف رامپوری. پیشین، زیر تلمیح.
- 6- میرزا حسین واعظی کاشفی. پیشین، ص ۱۲۱.
- 7- جلال‌الدین همایی. پیشین، ص ۳۲۸.
- 8- ر.ک. میرزا حسین واعظی کاشفی. پیشین، ص ۱۲۱؛ محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی. پیشین، ص ۳۸۹؛ حاج محمد حسین شمس‌العلمای گرکانی. پیشین، ص ۱۶۷؛ سید نصرالله تقوی. پیشین، ص ۲۵۹؛ جلال‌الدین همایی. پیشین، ص ۳۲۸؛ تقی وحیدیان کامیار. پیشین، ص ۷۶ و سیروس شمیسا. پیشین، ص ۹۰.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال اول از دوره جدید ❖ شماره ۱

ذکر کرده‌اند. چنان که صاحب هنجار گفتار اشاره به آیه‌ای از آیات قرآن یا حدیث یا شعر مشهور و یا مثلی مشهور بدون ذکر آنها را افزوده<sup>۱</sup> و این بیت را از سنایی مثال آورده است: چون ز اشغال خلق درماندی به أرحنا بلال را خواندی<sup>۲</sup> و همایی نیز اشاره به آیه و حدیث مشهور را در تعریف تلمیح آورده<sup>۳</sup> و به این بیت از حافظ مثال زده است:

یا رب این آتش که بر جان من است سرد کن آن سان که کردی بر خلیل<sup>۴</sup>  
از محققان روزگار اخیر نیز وحیدیان کامیار به این که در تلمیح آیه یا حدیثی و یا شعری مورد اشاره قرار می‌گیرد تصریح کرده است<sup>۵</sup> و بیت زیر را از حافظ شاهد آورده است:  
یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد آن که یوسف به زر ناسره بفروخته بود<sup>۶</sup>  
در این میان از پیشینیان کاشفی و از محققان امروز شمیسا در تعریف تلمیح اشاره داشتن به آیه و حدیث را قید نکرده‌اند.<sup>۷</sup> جز آن که شمیسا در پایان تعریف تلمیح متذکر شده است که در کتب قدما تناسب مطلب با اجزا یا پاره‌ای از مثل و حدیث و شعر هم تلمیح خوانده شده است<sup>۸</sup> سپس این دو بیت از هاتف اصفهانی را مثال آورده است:

یار گو بالغدو و الأصال یارجو بالعشی و الأبقار

1- سید نصرالله تقوی. پیشین، ص ۲۵۹.

2- اشاره به این که پیامبر چون وقت اذان فرا می‌رسید به بلال حبشی می‌فرمود: یا بلال أقم الصلاه أرحنا بها؛ ای بلال نماز را به پای دار و ما را بدان آرامش ده! (محمدتقی مدرس رضوی. تعلیقات حدیقه‌الحقیقه. تهران: علمی، بی تا، ص ۲۷۹).

3- جلال‌الدین همایی. پیشین، ص ۳۲۸.

4- اشاره به: قلنا یا نارُ کونی برداً و سلاًماً علی ابراهیم (سوره انبیاء، آیه ۶۹) گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد و بی‌گزند باش.

5- تقی وحیدیان کامیار. پیشین، ص ۷۶.

6- اشاره به: وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ (سوره یوسف، آیه ۲۰)؛ او (یوسف) را به بهای ناچیزی - چند درهم - فروختند و در آن بی‌رغبت بودند.

7- میرزا حسین واعظی کاشفی. پیشین، ص ۱۲۱؛ سیروس شمیسا. پیشین، ص ۹۰.

8- همان، ص ۹۱.

صد رخت لن ترانی ار گوید باز می‌دار دیده بر دیدار<sup>۱</sup>  
 اگر صرف اشاره داشتن بیت یا عبارتی را به قرآن تلمیح بدانیم و ابیاتی چون دو بیت مذکور را از هاتف اصفهانی، نمونه‌ای برای تلمیح به شمار آوریم - چنان که از تعاریف ارایه شده بر می‌آید - آن گاه مرزی بین اقتباس، عقد و تلمیح نمی‌توان یافت و مثال‌های آنها را از یکدیگر نمی‌توان باز شناخت.

### نتیجه

چنانکه ملاحظه شود تعاریفی که در کتب بدیعی از اقتباس، درج و تلمیح آمده است، در بسیاری موارد مبهم و نارساست و به طور کامل مثال‌های ارایه شده را توجیه و توصیف نمی‌کند. علاوه بر آن اصطلاحات مذکور صرفاً توصیف‌گر تأثیر لفظی قرآن است و مفاهیم برگرفته از قرآن را شامل نمی‌شود. به عنوان نمونه ابیات زیر با هیچ یک از اصطلاحات مذکور قابل توجیه نیست:

تا کرمت راه جهان بر گرفت پشت زمین بار گران برگرفت<sup>۲</sup>  
 (نظامی، ۸)

در میان ار هزار گه باشد مرگ یکدم چو خاک بر پا شد<sup>۳</sup>  
 (سنایی، ۴۲۵)

دهد پیشش گواهی در مظالم رگ و پی بر فجور مرد فاجر<sup>۴</sup>  
 (انوری، ۲۲۱)

- 1- الغدو و الأصال از آیه ۲۰۵ سوره اعراف، العشی و الابکار از آیه ۴۱ سوره آل عمران و لن ترانی از آیه ۱۴۳ سوره اعراف گرفته شده است.
- 2- مصراع نخست برگرفته از آیه ۷۰ سوره اسراء است: وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ؛ ما فرزندان آدم را گرامی داشته‌ایم و آنان را در خشکی و دریا برنشانده‌ایم؛ و مصراع دوم از آیه ۷۲ سوره احزاب؛ بنگرید: ص ۱۳۲، پاورقی شماره ۴.
- 3- برگرفته از: أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمْ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ (سوره نساء، آیه ۸۰)؛ هر جا باشید مرگ شما را در می‌یابد هر چند در برج‌های برکشیده.
- 4- برگرفته از: الْيَوْمَ نَخْتُمُ و عَلَيَّ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (سوره یس، آیه ۶۵)؛ امروز بر دهان‌هاشان مهر می‌زنیم و دست‌هاشان با ما سخن می‌گوید و پاهایشان گواه می‌شود بر آنچه کسب می‌کردند.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال اول از دوره جدید ❖ شماره ۱

## ۳۷ بررسی مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و اصطلاحات وابسته به آن

با جمع‌بندی آنچه گذشت و با در نظر گرفتن اشکالاتی که بیان شد، شیوه‌های تأثیرپذیری شعر فارسی را از قرآن می‌توان به ترتیبی که می‌آید تقسیم و تعریف نمود:

### الف - شیوه‌های ملقب

شیوه‌هایی که در کتب بدیع نام‌گذاری و تعریف شده است. این شیوه‌ها عبارت است از:

#### ۱- اقتباس یا تضمین یا درج

وقتی است که شاعر جمله‌ای را از قرآن اخذ و بدون تغییر در کلام خود ذکر کند؛ خواه جمله اخذ شده کامل باشد یا ناقص؛ ساده باشد یا مرکب.

مثال برای جمله کامل:

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم  
(نظامی، ۲)

مثال برای جمله ناقص:

حضور خلوت انس است و دوستان جمعند  
وإن یکاد بخوانید و در فراس کنید<sup>۱</sup>  
(حافظ، ۱۸۹)

مثال برای جمله مرکب:

تنگ آمده است زلزلت الارض هین بخوان بر مالها و قال الإنسان مالها<sup>۲</sup>  
(خاقانی، ۴)

#### ۲- عقد یا حل یا تحلیل

آن است که شاعر جمله‌ای را از قرآن اخذ و آن را همراه با تغییراتی در کلام خود ذکر کند؛ مانند:

---

۱- وإن یکاد بخشی است از آیه ۵۱ سوره قلم: و إن یکاد الذین کفروا لیرلقونک بأبصارهم لما یسمعون الذکر و یقولون إنه لمجنون؛ آنان که کافر شدند چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزند و می‌گفتند او واقعاً دیوانه‌ای است.

۲- مصراع نخست برگرفته از آیه اول سوره زلزال است: إذا زلزلت الارض زلزالها؛ آنگاه که زمین لرزانده شود به سختی و مصراع دوم، از آیه سوم همین سوره: وقال الانسان ما لها؛ و انسان بگوید او (زمین) را چه می‌شود؛ این آیه متضمن دو جمله است؛ قال الانسان و ما لها.

### ۳۸ □ بررسی مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و اصطلاحات وابسته به آن

قدرت برون بماند چو بنای کن فکان<sup>۱</sup> بنهاد از اساس دایره کردار روزگار  
(انوری، ۱۷۲)

تاج انا عبدالله<sup>۲</sup> بر تارک عیسی نه مَهْری ز سخن گفتن بر دو لب مریم زن  
(سنایی، ۴۸۳)

مکن هرگز بدو فعلی اضافه گر خرد بجز ابداع یک مبدع کلمح العین أو أدنی<sup>۳</sup>  
(ناصر خسرو، ۲)

#### ۳- تلمیح

آن است که شاعر قصه‌ای را از قصص قرآن اخذ و در ضمن کلام خود ذکر نماید؛ خواه با الفاظ قرآنی همراه باشد یا نباشد.  
مثال برای نوع نخست:

فرعون روزگار به من کینه‌جوی گشت چون من به علم در کف موسی عصا شدم<sup>۴</sup>  
(ناصر خسرو، ۱۳۹)

من یافتم ندای انا الله کلیم‌وار تا نار دیدم از شجر اخضر سخاش<sup>۵</sup>  
(خاقانی، ۲۳۴)

آتش اعدای نوح شوکت طوفان نشاند گردن کفران عاد سیلی صرصر شکست<sup>۶</sup>  
(انوری، ۹۳)

۱- کُن فکان شکل تغییر یافته‌ای است از کُن فیکُون که در مواضع مختلف از قرآن آمده است؛ نخستین آن: سوره بقره، آیه ۱۱۷.

۲- انا عبدالله صورت تغییر یافته اِنی عبدالله است که در آیه ۳۰ سوره مریم آمده است: قال اِنی عبدالله.

۳- کَلْمَح العینی أو أدنی شکل دگرگون شده کَلْمَح البَصْرِ أو هُوَ اقْرَبُ است که بخشی از آیه ۷۷ سوره نمل است؛ یعنی: [کار قیامت] جز مانند یک چشم برهم زدن یا نزدیک‌تر از آن نیست.

۴- بیت تلمیح به داستان موسی و فرعون دارد که در مواضع مختلف از قرآن ذکر شده است؛ به عنوان نمونه سوره طه، آیه ۲۰.

۵- بیت به حکایت موسی و رفتن او به کوه طور تلمیح دارد؛ بنگرید: آیات ۲۹ و ۳۰ سوره قصص.

۶- مصراع نخست به حکایت طوفان نوح (سوره هود، آیات ۴۰-۴۴) و مصراع دوم به حکایت قوم عاد و هلاکت آنان بر اثر عذاب الهی تلمیح دارد؛ بنگرید: سوره حاقه، آیه ۶.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال اول از دوره جدید ❖ شماره ۱

مثال برای نوع دوم:

کمان گروهه گبران ندارد آن مهره که چار مرغ خلیل اندر آورد ز هوا<sup>۱</sup>  
(خاقانی، ۳۱)

آن کعبه وفا که خراسانش نام بود اکنون به پای پیل حوادث خراب شد<sup>۲</sup>  
(خاقانی، ۱۵۷)

همان کند به عدو تیغ تو که با مه چرخ به یک اشارت انگشت کرد پیغمبر<sup>۳</sup>  
(انوری، ۱۹۸)

### ب - شیوه‌های غیر ملقب

یعنی اثرپذیری‌هایی که در کتب ادب به آنها اشاره‌ای نشده است. این موارد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- لفظی ۲- مفهومی.

#### ۱- لفظی

وقتی است که واژه‌ای از قرآن اخذ و در کلام ذکر شود. این قبیل واژگان گاهی بدون هیچ تغییری مورد استفاده قرار می‌گیرد، گاهی ترجمه آنها به کار می‌رود و گاهی با دستکاری و تغییرات همراه نشده به شکل واژه‌ای جدید در می‌آید. قسم نخست را می‌توان وام‌واژه، قسم دوم را ترجمه و قسم سوم را واژه‌سازی نامید. اینک نمونه‌هایی برای هر یک:

#### الف - وام واژه<sup>۴</sup>

گفته دانا چو ماه نو به فزون است گفته نادان چنان کهن شده عرجون<sup>۵</sup>  
(ناصرخسرو، ۱۰)

۱- بیت به حکایت ابراهیم(ع) و مرغانی که کشت و خداوند آنها را زنده ساخت، تلمیح دارد؛ بنگرید: سوره بقره، آیه ۲۶۰.

۲- به حکایت اصحاب فیل تلمیح دارد که در سوره فیل بیان شده است.

۳- به ماجرای شق‌القمر که از معجزات پیامبر گرامی اسلام است، تلمیح دارد؛ بنگرید: سوره قمر، آیه ۱.

۴- واژه‌های مأخوذ از زبان‌های دیگر، واژه‌های قرضی. (حسن انوری. فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن، ۱۳۸۲، زیر وام‌واژه)

۵- واژه عرجون مأخوذ از آیه ۳۹ سوره یس است، و الْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ؛ و برای ماه منزل‌هایی مقدر کرده‌ایم تا چون شاخه خشک خوشه خرما بر گردد.

#### ۴۰ □ بررسی مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و اصطلاحات وابسته به آن

گرت هست زمانه پست کند احسن الخالقینت هست کند<sup>۱</sup>  
(سنایی، ۷۷)

بر در بوستان إلا الله<sup>۲</sup> برکش و نیست کن قبا و کلاه  
(سنایی، ۱۱۵)

#### ب - ترجمه

قبله نه چرخ به کویت در است عبهر شش روزه<sup>۳</sup> به مویت در است  
(نظامی، ۳۰)

آن شب قدری<sup>۴</sup> که گویند اهل خلوت امشب است یا رب این تأثیر دولت در کدامین کوبک است  
(حافظ، ۲۵)

لشکری را هیزم دوزخ<sup>۵</sup> کنی در ساعتی ای تو تنها هم پناه لشکر و هم لشکری  
(انوری، ۴۶۶)

#### ج - واژه‌سازی

تا کی از دارالغروری<sup>۶</sup> ساختن دارالسرور تا کی از دارالفراری ساختن دارالقرار  
(سنایی، ۱۸۲)

یعنی بیبا که آتش موسی<sup>۷</sup> نمود گل تا از درخت نکته توحید بشنوی  
(حافظ، ۳۷۹)

۱- واژه احسن‌الخالقین به معنی نیکوترین آفریدگاران در دو موضع از قرآن کریم مذکور است: سوره مؤمنون، آیه ۱۴ و سوره صافات، آیه ۱۲۵.

۲- إلا الله واژه‌ای است برگرفته از لا اله إلا الله که در دو موضع از قرآن کریم آمده است: سوره صافات، آیه ۳۵؛ سوره محمد، آیه ۱۹.

۳- شش روزه ترجمه سنّه ایام است که در ضمن آیات متعدد از قرآن کریم آمده است؛ نخستین آن: سوره اعراف، آیه ۵۴.

۴- شب قدر ترجمه لیلۃ‌القدر است که در نخستین آیه سوره قدر آمده است: إنا أنزلناه فی لیلۃ‌القدر؛ ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم.

۵- هیزم دوزخ ترجمه وقود‌النار است که در آیه ۱۰ سوره آل عمران آمده است.

۶- دار‌الغرور به معنی سرای فریب واژه‌ای است ساخته شده از برخی آیات قرآن که در آنها دنیا مایه فریب و نیرنگ بیان شده است؛ به عنوان نمونه: آیه ۱۸۵ سوره آل عمران: وما الحیاة الدنیا إلا متاع العُور؛ زندگی دنیا چیزی جز مایه فریب نیست.

۷- آتش موسی واژه‌ای است که از مضمون آیتی که در بردارنده حکایت موسی(ع) و دیدن آتش به وسیله اوست، ساخته شده است، به عنوان نمونه بنگرید: سوره طه، آیه ۱۰.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال اول از دوره جدید ❖ شماره ۱



## بررسی مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و اصطلاحات وابسته به آن ۴۱

در زمان پیش آمد آن دوزخ‌گلو<sup>۱</sup> حجتش اینکه خدا گفتا کلوا  
(مولوی، ۲۰۷)

### ۲- مفهومی

آن است که شاعر مفهومی را از قرآن اخذ و بدون استفاده از الفاظ اصل، در کلام خود ذکر نماید؛ مانند:

آنکه تو را توشه ره می‌دهد از تو یکی خواهد و صد می‌دهد<sup>۲</sup>  
(نظامی، ۷۸)

دل تنگ‌تر ز دیده سوزن شده است و من بُختی غم به دیده سوزن در آورم<sup>۳</sup>  
(خاقانی، ۲۴۱)

### منابع و مأخذ

- ۱- آقا بزرگ طهرانی، محمدحسن. الذریعه إلى تصانیف الشیعه. بیروت: دارالأضواء ۱۹۸۳ م.
- ۲- ابن‌عقیل، بهاء‌الدین عبدالله. شرح ابن‌عقیل. به کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۴.
- ۳- الازراری، تقی‌الدین. خزانه‌الادب. بیروت: دارالهیلال و مکتبه الیهلال، ۱۹۸۷ م.
- ۴- السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
- ۵- انوری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن، ۱۳۸۲.
- ۶- انوری، علی بن محمد. دیوان. به کوشش محمدتقی مدرس رضوی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.

۱- دوزخ‌گلو واژه‌ای است که از توصیف جهنم در آیه ۳۰ سوره ق ساخته شده است؛ یوم نقول لجهنم هل امتلأت وتقول هل من مزید؛ روزی که به جهنم می‌گوییم سیر شدی؟ و او می‌گوید هم‌چنان هست؟ در بیت مذکور دوزخ‌گلو کنایه از کسی است که بسیار پرخور و سیری‌ناپذیر است.

۲- ناظر به مفهوم آیه ۲۶۱ سوره بقره: مثل الذین ینفقون أموالهم فی سبیل الله کمثل حبه أنبت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبه والله یضاعف لمن یشاء و الله واسعٌ علیم؛ [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر داناست.

۳- ناظر به آیه ۴۰ سوره اعراف: إن الذین کذبوا بآیاتنا و استکبروا عنها لا تفتح لهم أبواب السماء و لا یدخلون الجنة حتی یرجعوا فی سیم الخیاط و کذلک نجزی المحسنین؛ در حقیقت کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از پذیرفتن آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان را برایشان نمی‌گشایند و در بهشت در نمی‌آیند مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود و بدینسان بزهکاران را کیفر می‌دهیم.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال اول از دوره جدید ❖ شماره ۱

#### ۴۲ □ بررسی مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و اصطلاحات وابسته به آن

- ۷- برقی، سید محمدباقر. سخنوران نامی معاصر. تهران: امیرکبیر، ۱۳۲۹.
- ۸- تقوی، سید نصرالله. هنجار گفتار. اصفهان: فرهنگسرای اصفهان، ۱۳۶۳.
- ۹- حافظ، شمس‌الدین محمد. دیوان. تصحیح قاسم غنی و محمد قزوینی، تهران: انجمن خوشنویسان ایران، ۱۳۶۸.
- ۱۰- حلبی، علی‌اصغر. تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۶۹.
- ۱۱- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی نجار. دیوان. تصحیح ضیاء‌الدین سجادی. تهران: زوار، ۱۳۷۳.
- ۱۲- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۳- رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس. المعجم فی معاییر الاشعارالعجم. تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: زوار، ۱۳۶۰.
- ۱۴- راستگو، سید محمد. تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: سمت، ۱۳۷۶.
- ۱۵- رامپوری، غیاث‌الدین محمد بن جلال‌الدین بن شرف. غیاث اللغات. به کوشش منصور ثروت، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۱۶- زرین کوب، عبدالحسین. نقد ادبی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- ۱۷- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه. تصحیح و تحشیه محمدتقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۸- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. دیوان اشعار. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: سنایی، بی‌تا.
- ۱۹- شمس‌العلمای گرگانی. حاج محمد حسین. ابداع البدائع. به اهتمام حسین جعفری. تبریز: احرار، ۱۳۷۷.
- ۲۰- شمیسا، سیروس. نقد ادبی. تهران: فردوس، ۱۳۷۸.
- ۲۱- شمیسا، سیروس. نگاهی تازه بدیع. تهران: فردوس، ۱۳۷۳.
- ۲۲- صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس، ۱۳۷۲.
- ۲۳- کاشفی سبزواری، میرزا حسین واعظی. بدائع الافکار فی صنائع الاشعار. ویراسته میرجلال‌الدین کزازی. تهران: مرکز، ۱۳۶۹.
- ۲۴- مازندرانی، محمدهادی بن محمدصالح. انوارالبلاغه. به کوشش محمدعلی غلامی‌نژاد. تهران: میراث مکتوب و قبله، ۱۳۷۶.
- ۲۵- مدرس رضوی، محمدتقی. تعلیقات حدیقه الحقیقه. تهران: علمی، بی‌تا.
- ۲۶- مولوی، جلال‌الدین محمد. مثنوی. تصحیح و پیشگفتار عبدالکریم سروش. تهران: سروش، ۱۳۷۵.

□ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال اول از دوره جدید ❖ شماره ۱

بررسی مفهوم تأثیر قرآن بر شعر فارسی و اصطلاحات وابسته به آن ❏ ۴۳

- ۲۷- میرصادقی، جمال؛ میرصادقی، میمنت. *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*. تهران: کتاب مهناز، ۱۳۷۷.
- ۲۸- ناصر خسرو. *دیوان*. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- ۲۹- نظامی، الیاس بن یوسف. *مخزن‌الاسرار*. تصحیح حسن وحید دستگردی. تهران: علمی، ۱۳۴۴.
- ۳۰- وحیدیان کامیار، نقی. *بدیع از منظر زیبایی‌شناسی*. تهران: دوستان، ۱۳۷۹.
- ۳۱- همایی، جلال‌الدین. *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: هما، ۱۳۷۴.
- 32- Abrams, M.H., (1977), *A Glossary of literary terms*, USA , Holt , Reinhart and Winston.
- 33- Cuddon, J.A, (1993), *A Dictionary of literary terms* , England , Blackwell Reference.

Archive of SID

❏ فصلنامه اندیشه‌های ادبی ❖ سال اول از دوره جدید ❖ شماره ۱